

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین سعیدی

۰۸ می ۲۰۱۴

آداب جنازه

۱۶

تعلق ارواح در بدن:

تعلق ارواح در بدن به پنج قسم است :

- ۱- تعلق در شکم مادر که البته این تعلق ضعیف است .
- ۲- تعلق از وقت پیدایش تا تمام عمر این تعلق نسبت به تعلق اولی قوی است .
- ۳- تعلق در حالت خواب :

این تعلق زیاد کمزور و ضعیف است زیرا که در خواب تعلق روح به عالم برزخ می باشد بناءً این تعلق در بدن ضعیف می شود و خوابهای راست و صفائی که بنی آدم می بیند در نتیجه سیل عالم برزخ می باشد .

۴- تعلق در برزخ که بعد از مرگ می باشد اگر سبب مرگ روح بدن را بگذارد لکن میان روح و بدن جدائی نمی باشد بلکه همراه بدن تعلق روح یک قسم می باشد و روح چکر خود را می زند از یک جا به جای دیگری و از یک عالم به عالم دیگری می رود و در یک ساعت رفت و آمد می کند مثل که آدم خواب رفت در خواب دریک آن تمام دنیا را سیل کند بلکه بعضی وقت از آسمان هفتم هم بالا سیل می کند و عجیب غریب را می بیند و ساعت بر ساعت می آید بنابراین همین تعلق زیارت قبر مسنون گردیده و سلام زیارت کننده را روح می شنود و جواب هم می دهد این تعلق تا قیامت باقی است .

۵- تعلق پنج در روز قیامت می باشد هر گاه مردها از قبر ها بلند کرده می شود تعلق زیاد قوی و کامل می باشد ضعیف نکرده و نه عبس گردد و با تعلقات قبل این هیچ تعلق ندارد زیر که اکنون بدن نه گنده می شود و نه خراب می شود و نه مرگ می آید . (تفصیل موضوع در کتاب احکام میت صفحه ۲۵۴ نوشته مفتی رفیع عثمانی).

موضوع قبض روح حیوانات:

در مورد این که « ملک الموت » موظف است که صرف ارواح انسان را قبض نماید و یا این که وی موظف به قبض روح تمام مخلوقات، از جمله حیوانات، جنیبات، فرشته ها و... می باشد .

در مورد قبض روح پروردگاریا عظمت ما می فرماید : « قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ » (سوره سجده آیه : ۱۱). یعنی: بگو: فرشته ای که خداوند آن را مأمور قبض ارواح و گرفتن جان ها نموده است به کمک همکارانش به سراغ شما می آید و جانان را می گیرد. « ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ » سپس به نزد پروردگارتان

بازگردانده می شوید آنگاه شما را طبق اعمالتان سزا و جزا خواهد داد. و شما زنده شدن پس از مرگ را انکار کرده اید پس بنگرید و ببینید که خداوند با شما چه خواهد کرد!

بر طبق این آیت مبارک درمی یابیم که ملک الموت مأمور قبض روح انسانها است، ولی هیچ نصی از قرآن یا احادیث صحیح نبوی صلی الله علیه وسلم وارد نشده است که روح حیوانات چگونه و توسط چه کسی قبض می شود، ولی هستند احادیثی که اسناد آن جعلی و برخی بر آن استناد می نمایند از جمله: «أَجَالُ الْبِهَائِمِ كُلِّهَا مِنَ الْقَمَلِ وَالْبِرَاعِيثِ وَالْجِرَادِ وَالْخَيْلِ وَالْبِغَالِ كُلِّهَا وَالْبَقَرِ وَغَيْرِ ذَلِكَ ، أَجَالُهَا فِي التَّسْبِيحِ ، فَإِذَا انْقَضَى تَسْبِيحُهَا قَبِضَ اللَّهُ أَرْوَاحَهَا ، وَلَيْسَ إِلَى مَلِكِ الْمَوْتِ مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ».

یعنی: زمان مرگ تمامی حیوانات از قبیل مورچه و شپش و کیک و ملخ و اسب و قاطر و گاو و دیگر حیوانات بستگی به زمان تسبیح آنها دارد، هرگاه تسبیح گفتن آنها به پایان رسید خداوند روح آنها را قبض می کند، و ملک الموت چیزی از آن را برعهده ندارد.

ولی همانطوری که در فوق بیان شد سند این احادیث دقیق نبوده و دروغ ست و علامه البانی رحمه الله آن را در «السلسلة الضعيفة» (۱۸۸/۴) بیان داشته و آن را دروغ دانسته است.

و لذا بعضی از علماء گفته اند: ملک الموت ارواح جمیع مخلوقات (انسان و حیوانات) را قبض می کند، و بعضی دیگر از اهل علم گفته اند: «خدای سبحان خود ارواح حیوانات را می ستاند، نه فرشته مرگ». نگاه کنید به : «التذكرة» للقرطبي صفحه (۷۵) ، « الفواکه الدوانی» (۱۰۰/۱).

شیخ ابن عثیمین عالم شهیر جهان اسلام :

این مسأله را خارج از تکلیف انسان دانسته و پرداختن به بحث را بی فایده دانسته است، چنان که از ایشان در مورد قبض ارواح حیوانات پرسیده شد و ایشان جواب دادند: «نظر تو چیست اگر به شما گفته شود که : ملک الموت مأمور قبض ارواح حیوانات است یا مأمور نیست، فایده این چیست؟! آیا صحابه در این مورد از رسول صلی الله علیه وسلم سؤال کردند، در حالی که آنها از هرکسی بیشتر در یادگیری و کسب علم حریص بودند، و رسول خدا صلی الله علیه وسلم در پاسخ دادن به سؤال آنها از هرکسی تواناتر بود، ولی با این وجود هرگز صحابه از ایشان در این مورد سؤال نکردند، آنچه که خداوند متعال می فرماید اینست: «قُلْ يَتَوَفَّكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ» یعنی ملک الموت مأمور قبض ارواح بنی آدم است، اما در مورد ارواح غیر انسانها چیزی ثابت نشده و خدا بدان آگاهتر است. « لقاء الباب المفتوح» (۱۱/۱۴۶).

بنابراین چون هیچ دلیلی از کتاب و سنت در این خصوص وارد نشده که چه کسی مأمور قبض ارواح حیوانات است، نمی توان بدون وجود دلیل حکم به چیزی داد، زیرا خداوند متعال می فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» (اسراء ۳۶) یعنی: از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن.

همچنان شأن یک مسلمان است که در موضعاتی به تخصص و تحقیق پردازد که به نفع قیامتش باشد و بتواند توسط آن از گناه دور شده و به حسنات نزدیک گردد، انسان همواره باید تلاش کند تا بار حسناتش را زیاد کند و در پی کسب علمی باشد که وی را به این هدف می رساند. هرگز در قیامت از ما پرسیده نمی شود که مثلاً: مأمور قبض ارواح حیوانات چه کسی بود؟ یا : تعداد پیامبران چند نفر بودند؟ و یا از این قبیل سوالات.

آیا حیوانات روح دارند؟

زمانی که موضوع قبض روح حیوانات مطرح است . باید پرسید که : آیا حیوانات نیز همانند انسانها دارای روح هستند و یاخیر ؟ زیادتیر علماء می فرمایند که بلی حیوانات هم دارای ارواح اند ، ولی کیفیت روح آنها مجهول است. شیخ عبد الرحمن السحیم می گوید:

« روح فقط به انسان منحصر نیست هر چند که این امر در انسان ظاهر تر است چنان که الله تعالی در مورد عیسی علیه الصلاة والسلام می فرماید: (إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ) (سوره نساء آیت : ۱۷۱)

یعنی: مسیح عیسی بن مریم فقط فرستاده خدا و کلمه (و مخلوق) اوست، که او را به مریم القاء نمود؛ و روحی (شایسته) از طرف او بود.

و نیز در مورد او (عیسی) می فرماید: « وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِأُذُنِي فَتَنفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِأُذُنِي » (سوره مائده آیت : ۱۱۰).

یعنی: هنگامی که به فرمان من، از گل چیزی به صورت پرنده می ساختی، و در آن می دمیدی، و به فرمان من، پرنده ای می شد...

و برای این که پیامبر صلی الله علیه وسلم نقاشی کردن آنچه را که روح دارد نهی کرده است و این شامل تمامی مخلوقات دارای روح از پرندگان و حیوانات و حشرات می شود (یعنی نهی پیامبر صلی الله علیه وسلم در به تصویر کشیدن حیوانات دلالت بر داشتن روح می کند زیرا در روز قیامت الله تعالی به تصویرگران امر می کند که به تصاویری که کشیده اند روح بدمند-مترجم)

و شخصی نزد ابن عباس رضی الله عنه آمد و به وی گفت که من مشغول کشیدن تصاویر هستم و با آن امرار معیشت می کنم، ابن عباس به وی گفت: « سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: « كُلُّ مُصَوِّرٍ فِي النَّارِ يُجْعَلُ لَهُ بِكُلِّ صُورَةٍ صَوَّرَهَا نَفْسٌ فَيُعَذِّبُهُ فِي جَهَنَّمَ » قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: فَإِنْ كُنْتَ لَا بُدَّ فَاعِ لَا، فَاصْنَعِ الشَّجَرَ وَمَا لَا رُوحَ فِيهِ. متفقٌ عليه.

یعنی: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود: هر صورتگر در دوزخ است و در برابر هر عکسی که کشیده موجودی برایش ساخته شده و او را در دوزخ شکنجه و عذاب می کند.

ابن عباس گفت: اگر حتماً این کار را می کنی، پس درخت و آنچه که روح ندارد، بساز.

و ابن حجر می گوید: به این حدیث استدلال می شود جهت جواز تصاویر آنچه که دارای روح نیست از جمله درختان، آفتاب و ماه.

و علماء بین موجوداتی که روح دارند و آنچه روح ندارد فرق می گذارند، و برای موجوداتی که روح دارند دو قسمت قرار داده اند:

- آنچه که جان روان و سیالی دارد، و منظور حیواناتی هستند که دارای خون متحرک در بدن هستند.
- آنچه که دارای جان روانی نیستند، و منظور از آن حشراتی هستند که دارای خون متحرک نیستند مانند پشه و مگس و همانند آنها. اما آنچه که روح ندارد به مرده یا بی جان اسم گذاشته می شود. شیخ قرطبی می گوید: بی جان یعنی آنچه که روح ندارد همانند سنگ و چوب."

حشر حیوانات :

طوری که در فوق یاد آور شدیم : حیوانات نیز دارای روح هستند، همچنین حیوانات هم حشر می شوند ولی بعداً دوباره نابود می شوند و جنت و دوزخ فقط مخصوص انسان و جن است.

در قرآن عظیم الشان آمده است که : « وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمٌّ أُمَّتَالُكُمْ مَا فَرَطْنَا فِي الْكُتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ » (سوره انعام آیت : ۳۸). (یعنی: هیچ جنبنده ای در زمین نیست و نه هیچ پرنده ای که با دو بال خود پرواز می کند مگر آن که آنها [نیز] گروه هائی مانند شما هستند ما هیچ چیزی را در کتاب [لوح محفوظ] فروگذار نکرده ایم سپس [همه] به سوی پروردگارشان محشور خواهند گردید.

و نیز می فرماید: « وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَى جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ » سورة شوری آیت : ۲۹. (یعنی: از نشانه‌های [قدرت] اوست آفرینش آسمانها و زمین و آنچه از [انواع] جنبنده در میان آن دو پراکنده است و او هرگاه بخواهد بر گردآوردن آنان تواناست.

شیخ الاسلام ابن تیمیه با استناد به این دو آیت می گوید: اما حیوانات ؛ همه حشر می شوند چنان که کتاب و سنت بر آن دلالت دارد. (مجموع الفتاوی ۴/ ۲۴۸).

و چنان که در حدیث صحیح آمده: « إِنَّ اللَّهَ لَيَقْتَضِي لِلشَّاةِ الْجَحَاءِ مِنَ الشَّاةِ الْقَرْنَاءِ » (مسلم ۲۵۸۲) «الله تعالی قصاص گوسفند بی شاخ را از گوسفند شاخدار می گیرد.» و این دلیل بر حشر شدن حیوانات است. امام نووی با استناد به حدیث فوق می گوید: این حدیث بر حشر حیوانات در قیامت تصریح دارد و بازگشت آنها همانند بازگشت انسانها در قیامت، چنان که الله تعالی می فرماید: وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ یعنی : سوگند به روزی که در آن حیوانات حشر می شوند علماء می گویند: مجازات و عقوبت شرط بازگشت و حشر (آنها) نیست و منظور از قصاص در حدیث فوق، قصاص تکلیف نیست، بلکه قصاص به عنوان مقابله به مثل است.

عذاب و نعمت های قبر متواتر هستند:

شارح طحاوی در این مورد می نویسد :

اخبار و احادیث در باره عذاب قبر برای مستحقان از حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم به طور تواتر روایت گردیده است ، و این روایات در اختیار ما قرار دارد ، هم چنین احادیث سؤال منکر و نکیر در حد تواتر هستند، بنابراین اعتقاد و ایمان به حقانیت آنها واجب و لازم است، البته درباره نحوه و چگونگی عذاب قبر ما مجاز به اظهار نظر نیستیم و کیفیت آن را نمی دانیم، چون عقل صلاحیت درك نحوه آن را ندارد و از حوزه عمل عقل خارج است و از طرف دیگر چنین احکامی مرتبط به دنیای واقع نیستند تا بر اساس عقل باشند یا بتوان آنها را عقلانی ساخت، در دین اسلام تنها احکام شریعت دنیایی در حوزه هاضمه عقل بشری نازل می شوند و باید احکامی مشروع گردد که عقل بشری تاب و توان آن را داشته باشد، بازگشت روح به جسد و احکام دیگر قبر و قیامت در حوزه قوانین و سنن مألوف و معهود بشر نیستند تا در مقابل عقل دنیایی بشر سر تسلیم فرود آورند. (شرح عقیده الطحاوی: ۴۵۰)

و در جایی دیگر می گوید:

باید بدانیم که عذاب قبر همان عذاب برزخ است، هرکس که از این دنیا کوچ کند و مستحق عذاب باشد، فرق نمی کند که دفن شود یا نه، سهم خود را از عذاب خواهد چشید، خواه درندگان او را بخورند یا طعمه حریق شود و به خاکستر مبدل گردد و در فضاء پراکنده شود، یا به دار آویخته شود و یا در بحر و آب غرق شود، در هر حالتی باشد همان عذاب را می چشد که برای جسم مدفون در خاک مقرر گشته است و دچار فشار و خورد شدن استخوان هم می شود، بر ما لازم است نصوص صحیح وارد شده از پیامبر صلی الله علیه وسلم را بدون افراط و تفریط فهم کنیم. (شرح عقیده الطحاوی: ۴۵۱)

ملاحظه و بسیاری از اندیشمندان اسلامی که به مذهب فلاسفه گرویده اند، منکر عذاب قبر هستند، آنها می گویند: عذاب قبر هیچ گونه وجود خارجی ندارد و برای اثبات ادعای خود به این مطلب استناد می کنند که ما قبور را باز کردیم اما هیچ گونه نشانه ای از عذاب یا نعمت های وارد شده در نصوص را مشاهده نکردیم. (تذکره القرطبی: ۱۲۵)

همچنین فرقه خوارج و بعضی از معتزله مانند ضرار بن عمر و بشر مریسی نیز منکر عذاب قبر هستند، البته قاطبه اهل سنت و اغلب معتزله با این گروه اختلاف نظر دارند و به عذاب قبر ایمان دارند. (فتح الباری: ۳/ ۲۳۳). آنها چیزی را انکار می کنند که در دایره علم خود بدان دست پیدا نکرده اند و توان احاطه بدان را ندارند و گمان می کنند

که چشم آنها همه چیزها را می‌بیند و گوش آنها همه صداها را می‌شنود، ولی ما امروزه اسرار و رموزی را از جهان هستی درک می‌کنیم که چشم و گوش از پی بردن به آنها عاجز و ناتوان هستند.

هرکس به خدا ایمان داشته باشد اخبار و کلامش را با جان و دل می‌پذیرد.

در قرآن اشاراتی دایر بر وجود و حقانیت عذاب قبر وجود دارد و امام بخاری در صحیح خود بابی را تحت عنوان «باب ما جاء فی عذاب القبر» مطرح نموده است و در ادامه عنوان باب آیات زیر را برای اثبات عذاب قبر ذکر می‌کند.

«إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمْرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيَهُمْ أخرجُوا أَنفُسَكُمْ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ» (سوره الأنعام: آیت ۹۳)

اگر (حال همه ستمگران، از جمله این) ستمکاران را ببینی (و بدانی که چه وضع نابه هنجار و دور از گفتاری دارند) در آن هنگام که در شدادت مرگ فرو رفته‌اند و فرشتگان دستهای خود را (به سوی آنان) دراز کرده‌اند (و بر بناگوششان تپانچه و بر پشتشان تازیانه می‌زنند و بدیشان می‌گویند: اگر می‌توانید از این عذاب الهی) خویشتان را برهانید. این زمان به سبب دروغهائی که بر خدا می‌بستید و از (پذیرش) آیات او سرپیچی می‌کردید، عذاب خوارکننده‌ای می‌بینید).

«سُئِدْتُمْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ يَرُدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ» (سوره التوبة: آیت ۱۰۱)

(ایشان را (در همین دنیا) دو بار شکنجه می‌دهیم (: يكبار با پیروزی شما بر دشمنانتان که مایه درد و حسرت و خشم و کین آنان می‌گردد، و بار دوم با رسواکردن ایشان به وسیله پردهبرداری از نفاقشان). سپس (در آخرت) روانه عذاب بزرگی می‌گردند)

«فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَّا كُفِّرُوا وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ* النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ» غافر: ۴۵ - ۴۶

(خداوند (چنین بنده مؤمنی را تنها نگذاشت و) او را از سوء توطئه‌ها و نیرنگهای ایشان محفوظ و مصون داشت، ولی عذاب بدی خاندان فرعون را در بر گرفت. و آن آتش دوزخ است که بامدادان و شامگاهان آنان بدان عرضه می‌شوند. (این عذاب برزخ ایشان است) و اما روزی که قیامت برپا می‌شود (خدا به فرشتگان دستور می‌دهد) خاندان فرعون (و پیروان او) را به شدیدترین عذاب دچار سازید.)

آیت اول که امام بخاری آن را بیان فرمود در مورد عذاب کفار توسط فرشتگان در حال سكرات مرگ است. آیت دوم حکایت از آن دارد که منافقان بیش از عذاب روز قیامت به دو عذاب دیگر گرفتار می‌شوند، عذاب اول عذاب دنیا است که توسط مؤمنان یا مستقیم از طرف خدا به منافقان چشاند می‌شود و عذاب دوم عذاب دردناک قبر است. امام حسن بصری در تفسیر دو عذاب می‌فرماید: منظور از مرتین، عذاب دنیا و قبر است. (فتح الباری: (۲۳۳/۳) طبری می‌گوید:

غالب این است که منظور از دو عذاب، یکی عذاب قبر است و دیگری عذاب گرسنگی، قحطی، اسیر، قتل و اذلال باشد. (فتح الباری ۲۳۳/۳)

و آیت سوم دلیل روشنی برای اهل سنت مبنی بر اثبات عذاب قبر است، چون خداوند متعال تأکید می‌فرماید که آل فرعون صبح و شام در کنار آتش حاضر می‌شوند و این احضار پیش از روز قیامت است، زیرا بعد از این آیه خداوند می‌فرماید: «تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ» (سوره غافر: ۴۶).

امام قرطبی و جمهور مفسرین بر این عقیده هستند که عرض آل فرعون در کنار آتش در عالم برزخ صورت می‌گیرد. (فتح الباری: (۲۳۳/۱۱).

آیت زیر به روشنی بر عذاب و فتنه قبر دلالت می‌کند: «يَبْتَأُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ» (ابراهیم: ۲۷).

خداوند مؤمنان را به خاطر گفتار استوار (و عقیده پایدارشان) هم در این جهان (در برابر زرق و برق مادیات و بیم و هراس مشکلات محفوظ و مصون می‌نماید) و هم در آن جهان (ایشان را در نعمتهای فراوان و عطایای بی‌پایان، جاویدان و ماندگار) می‌دارد.

در حدیث براء بن عازب آمده بود که وقتی مؤمن در قبر نشانده می‌شود و در جواب فرشتگان می‌گوید: به الوهیت خدا و رسالت محمد صلی الله علیه وسلم شهادت می‌دهم، این ثبات و استقامت همان تثبیت مذکور در آیت است. در حدیثی دیگر آمده است که این آیت دربار، عذاب قبر نازل شده است. (صحیح بخاری، کتاب جنائز) از عایشه ام المؤمنین رضی الله عنها روایت شده که يك زن یهودی به خانه او رفت و صحبت از عذاب قبر به میان آورد و به عایشه رضی الله عنها گفت:

خداوند تو را از عذاب قبر نجات دهد. عایشه رضی الله عنها از رسول الله صلی الله علیه وسلم درباره عذاب قبر سؤال کرد. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: بلی، عذاب قبر حق است. حضرت عایشه می‌گوید: بعد از آن جریان رسول خدا صلی الله علیه وسلم بعد از هر نمازی از عذاب قبر به خدا پناه می‌برد. (بخاری کتاب جنائز باب ما جاء فی عذاب القبر. فتح الباری ۳/۲۳۱).

در صحیح مسلم از عایشه رضی الله عنها روایت شده است که دو پیرزن از یهودیان مدینه پیش من آمدند و گفتند: بی تردید انسان‌ها در قبر عذاب داده می‌شوند، عایشه رضی الله عنها می‌فرماید: من سخنان آن دو پیرزن را رد کردم و دروغ تلقی نمودم و دوست نداشتم که سخنان آنها را بپذیرم. آنها از خانه من بیرون رفتند و رسول الله صلی الله علیه وسلم به منزل آمد، من هم جریان را برای ایشان باز گو نمودم، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «**صَدَقْنَا إِنَّهُمْ يَعَذَّبُونَ عَذَابًا تَسْمَعُهُ الْبِهَائِمُ قَالَتْ فَمَا رَأَيْتُهُ بَعْدُ فِي صَلَاةٍ إِلَّا يَتَعَوَّذُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ**».

(راست گفتند، اهل قبور در قبر چنان عذاب داده می‌شوند که صدای آه و فغان آنها به گوش همه حیوانات می‌رسد). عایشه رضی الله عنها می‌فرماید: بعد از آن رسول خدا صلی الله علیه وسلم بعد از هر نمازی از عذاب قبر به خدا پناه می‌برد. (صحیح مسلم، کتاب المساجد).

رسول الله صلی الله علیه وسلم به دلیل حساس بودن و اهمیت عذاب قبر، اصحاب و یاران را در این باره تعلیم می‌داد و حتی يك دفعه خطبه را به این موضوع اختصاص داده است. در صحیح بخاری از اسماء بنت ابی بکر رضی الله عنها روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم روزی برای ایراد سخن بلند شد و درباره فتنه قبر که انسان‌ها بدان مبتلا می‌شوند، به ایراد خطبه پرداخت، وقتی عذاب قبر را عنوان کرد، مسلمانان (شنوندگان) به شدت به لرزه در آمدند و ترس و وحشت آنها را فرا گرفت. (بخاری کتاب جنائز باب عذاب قبر. فتح الباری ۳/۲۳۲)

در روایت نسائی آمده است: اسماء رضی الله عنها که راوی حدیث است می‌گوید: از شنیدن سخنان رسول الله صلی الله علیه وسلم درباره عذاب قبر چنان سر و صدائی بلند شد که من مفهوم سخنان رسول الله صلی الله علیه وسلم را درست درک نکردم، وقتی سر و صدا خاموش شد، از بغل دستی خود پرسیدم: خداوند تو را بیامرزد، رسول الله صلی الله علیه وسلم در پایان سخنان خود چه فرمود؟ او در جواب گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: (قَدْ أُوجِيَ إِلَيَّ أَنْكُمْ تُفْتَنُونَ فِي الْقُبُورِ قَرِيبًا مِنْ فِتْنَةِ الدَّجَالِ) [نسائی، به جامع الاصول: (۱۷۰/۱۱) مراجعه شود.

(به من وحی شده که در قبر فتنه‌ای همانند فتنه دجال دامنگیر مردم می‌شود) رسول الله صلی الله علیه وسلم صدای معذبین را می‌شنود خداوند به پیامبر گرامی خود این توانائی را عنایت فرموده که صدای معذبین قبر را بشنود. در حدیثی که صحیح مسلم آن را از حضرت زید بن ثابت روایت کرده، چنین آمده است: روزی که رسول الله صلی الله علیه وسلم در باغی از باغ‌های بنی نجار سوار بر قاطر بود و ما نیز ایشان را همراهی می‌کردیم، ناگهان مرکب رسول الله صلی الله

علیه وسلم از مسیر منحرف شد و به سرعتش چنان افزود که نزدیک بود رسول الله صلی الله علیه وسلم را بر زمین بیندازد - بلافاصله نگاه ما به شش یا پنج یا چهار قیر اطراف مسیر افتاد - رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

« مَنْ يَعْرِفُ أَصْحَابَ هَذِهِ الْأَقْبُرِ فَقَالَ رَجُلٌ أَنَا قَالَ فَمَتَى مَاتَ هُوَ لَا قَالَ مَاتُوا فِي الْإِشْرَاقِ فَقَالَ إِنَّ هَذِهِ الْأُمَّةُ تُبْتَلَى فِي قُبُورِهَا فَلَوْلَا أَنْ لَا تَدَافِقُوا لَدَعَوْتُ اللَّهَ أَنْ يَسْمِعَكُمْ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ الَّذِي أَسْمَعُ مِنْهُ » (صحيح مسلم، كتاب الجنه).

(چه کسی صاحبان این قبور را می‌شناسد؟ یکی از حاضران گفت: من یا رسول! رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: اینها در چه تاریخی فوت کرده‌اند؟

او گفت: اینها در زمان کفر و در حالت شرک فوت کرده‌اند. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: قطعاً این امت در قبور مورد فتنه و عذاب قرار می‌گیرند، اگر از این هراس نمی‌داشتیم که مردگان را دفن نمی‌کنید، از خداوند می‌خواستیم که صدای عذاب اهل قبور را به شما بشنواند.

حدیثی که بخاری و مسلم آن را از ابن عباس رضی الله عنه روایت کرده‌اند، حکایت از آن دارد که رسول الله صلی الله علیه وسلم صدای اموات معذب قبر را می‌شنید. در این حدیث چنین آمده است: رسول الله صلی الله علیه وسلم از کنار دو قبر عبور کرد و فرمودند: اهل این قبور در حال عذاب هستند و عذاب آنها به خاطر جرم و گناه بزرگی نیست).

شنیدن دیگران:

بعضی از انسان‌ها همواره مدعی هستند که صدای معذبین قبر را شنیده یا دیده‌اند، از میان آنها شخصیت‌هایی وجود دارد که مرد دروغ نیستند و نمی‌توان بدان‌ها شک نمود، مثلاً شیخ علامه ابن تیمیه در این باره می‌فرماید: گاهی برای مردم زمان ما در خواب و بیداری چیزهایی کشف می‌شود که بدان علم دارند و به اثبات هم رسانیده‌اند، چنین مواردی نزد ما کم نیستند. (مجموع الفتاوی: (۳۷۶/۲۴).

در جائی دیگر در راستای نفی دیدگاه منکرین عذاب قبر می‌گوید: وقتی معلوم است که شخص در حال خواب روحش بلند می‌شود و راه می‌رود و حرف می‌زند و توسط باطن بدنش کارهایی با روح خود انجام می‌دهد و بدن از انجام آن کارها احساس لذت یا عذاب می‌کند، در حالی که جسدش دراز کشیده و خوابیده است و چشمانش را گشوده و دهانش را بسته و اعضای بدنش از حرکت باز افتاده است، اما گاهی بر اثر قوت حرکت داخلی حرکت می‌کنند و گاهی بلند می‌شود، راه می‌رود و جیق می‌زند، همه این حرکات در اثر نیروی درونی انجام می‌گیرند. کار انسان مرده هم از این موضوع مهمتر نیست، چون روحش عذاب می‌بیند و لذت می‌چشد و جواب می‌دهد و سخن می‌گوید در حالی که نشسته و روحش متصل به لاشه و در قبر تنگ و تاریک دراز کشیده است، حتی شدت آن به گونه‌ای است که در عالم خارج هم احساس می‌شود و بدن را به حرکت در می‌آورد و او را در قبر به جنب و جوش و آوار می‌سازد و حتی افراد بی‌شماری هم صدای ناله و فغان آن را از بیرون می‌شنوند و حتی دیده شده که از شدت عذاب از قبر بیرون آمده است، البته این حالت برای هر مرده‌ای لازم نیست، همانطور که هر خوابیده‌ای دچار چنین حالتی نمی‌شود، بلکه به شدت و ضعف عذاب و خواب بستگی دارد. (فتاوی ابن تیمیه ۵/۵۲۵).

آیا مرده‌ها صدای زنده‌ها را می‌شنوند:

برخی از علماء مانند عایشه صدیقه رضی الله عنها و گروهی از علماء احناف می‌گویند که اموات صدای احیاء را نمی‌شنوند و دلیلشان بر اینست که خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: " وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَنْ يَشَاءُ وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّنْ فِي الْقُبُورِ " (فاطر : ۲۲)، و در جنک بدر که پیامبر صلی الله علیه وسلم به سران قریش که هلاک شده بودند خطاب می‌کرد را از معجزات پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌دانند و در مورد حدیث شنیدن میت صدای

نعال زنده ها نیز می گویند که فقط مخصوص پس از دفن میت هست، ولی بعداً نمی توانند بشنوند (ولی این دلایل قوی نیستند).

و برخی دیگر از علماء می گویند که اموات صدای احیاء را می شنوند به دلایل زیر:

۱- حدیث پیامبر صلی الله علیه و سلم که در مورد میت می فرماید: « إِنْ لَيْسَ خَفَقَ نَعَالَهُمْ إِذَا انْصَرَفُوا » (متفق علیه)، یعنی: " (شخص میت) صدای نعال احیاء را (پس از دفنش) می شنود".

۲- حدیث پیامبر صلی الله علیه و سلم که سران قریش که در جنگ بدر هلاک شده بودند و بعد از سه روز خطاب به آنها گفت:

« يا أبا جهل بن هشام يا أمية بن خلف يا عتبة بن ربيعة يا شيبه بن ربيعة أليس قد وجدتم ما وعد ربكم حقا فإني قد وجدت ما وعدني ربي حقا فسمع عمر قول النبي صلى الله عليه وسلم فقال يا رسول الله كيف يسمعون وأنى يجيبوا وقد جفوا قال والذي نفسي بيده ما أنتم بأسمع لما أقول منهم ولكنهم لا يقدرُونَ أن يجيبوا ثم أمر بهم فسحبوا فألقوا في قليب بدر» (متفق علیه)، یعنی: " ای ابو جهل بن هشام، ای امیه بن خلف، ای عتبه بن ربيعة، ای شيبه بن ربيعة، آیا وعده هائی را که پروردگارتان به شما داده بود حقیقت یافتید، زیرا من وعده هائی را که پروردگارم به ما داده بود را حقیقت یافتیم ". سپس هنگامی که عمر رضی الله عنه این خطاب را شنید به پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت: " چطور می شود که صدايت را بشنوند در حالی که گنبدیده شده اند و مرده اند؟ پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: " قسم به آن کسی که جانم در دست اوست، شما از آنها شنواتر نیستید ولی نمی توانند پاسخ دهند"، سپس دستور داد که آنها را در چاه بدر بیندازند".

۳- روایتی که در سلام کردن به اهل قبور از پیامبر صلی الله علیه و سلم وارد شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: « قولوا السلام عليكم دار قوم مؤمنين ، وإنا إن شاء الله بكم لأحقون » (متفق علیه)، یعنی: " سلام بر شما ای سرزمین مؤمنان، و ما ان شاء الله به شما ملحق خواهیم شد "، و این خطاب به اهل مقابر هست، یعنی آنها می شنوند، و در حدیثی دیگر آمده که میت جواب سلام زنده را می دهد، پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: " ما من مسلم يمر علی قبر أخيه كان يعرفه في الدنيا فيسلم عليه إلا رد الله عليه روحه حتى يرد عليه السلام " یعنی: "هیچ مسلمانی نیست که بر قبر برادر (دینیش) که او را در دنیا می شناخته رد می شود و بر او سلام می کند مگر این که خداوند روحش را به جسدش برمی گرداند تا جواب سلامش را بدهد"، و این دلیل روشنی هست بر این که میت سلام زنده را می شنود و پاسخ می دهد.

ولی این روایات به این معنا نیست که میت از اهل دنیا با خبر هستند، بلکه هر وقت خداوند بخواهد آنها را با خبر می سازد، زیرا در حدیث طولانی که از پیامبر صلی الله علیه و سلم در مورد زندگانی بعد از مرگ وارد شده است پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود:

«... فيأتون به أرواح المؤمنين - یعنی الذين ماتوا قبله - فلهم أشدُّ فرحاً به من أحدكم بغائبه يقدم عليه، فيسألونه: ماذا فعل فلان؟ ماذا فعل فلان؟ فيقولون: دعوه، فإنه كان في غمِّ الدنيا، فإذا قال: أما أتاكم؟ قالوا: ذهب به إلى أمه الهاوية... (صحيح - روایت منسائی و حاکم)، یعنی: «... پس (ارواح مردگان مؤمن پس از مرگشان) می آیند نزد ارواح مؤمنان (که قبلاً مرده اند) و آنها (در این ملاقات) خیلی خوشحالتتر از کسانی می شوند که یک مسافر به اهلش برگردد، و به این مرده می گویند: فلان و فلان چکار کردند (یعنی حال و احوال زندگان را از این تازه مرده می پرسند)، سپس می گویند: او را رها کنید زیرا تازه از هم و غم دنیا نجات یافته، تا آنجائی که از شخصی سؤال می کنند، و این میت می گوید که او قبلاً مرده مگر نزد شما نیامد؟ ملائکه در پاسخ می گویند: او را به دوزخ بردند (لذا با ارواح مؤمنان نتوانست ملاقات کند)

...»، و این روایت و برخی روایات دیگر نشاندهنده اینست که میت از حال و احوال زنده ها خبر ندارد مگر این که خداوند متعال آنها را با خبر کند.

گذشته از این، اگر خداوند متعال میت را از حال و احوال زنده ها با خبر کند، معنایش این نیست که او آزادانه می تواند برای شخص زنده شفاعت کند و یا واسطه شود تا دعای زنده قبول گردد، زیرا میت عملش منقطع شده و دیگر کاری از دستش ساخته نیست، چه پیامبر باشد و چه کسی دیگر، و اگر کسی از میت چیزی طلب کند و به او متوسل شود که مشکلاتش حل کند از شرک اکبر به شمار می رود یعنی آن شخص از دائره اسلام خارج می شود زیرا هیچ فرقی با طلب کردن از بت را ندارد زیرا هم بت و هم میت هیچ کاری از دستشان بر آورده نیست. و این که در گاهی اوقات آنها می گویند که پس از متوسل شدن به امام مرده مشکلاتشان حل می شود چیزی بوده که نزد خداوند مقدر بوده، و حتی هندو نیز این ادعا را دارد، زیرا می گویند نزد بت دعاء کرده و مشکلاتشان حل شده، پس بت به حق است! ولی این مسائل از ازل مقدر بوده، یعنی حتی اگر دعاء نمی کردند نیز مشکلاتشان حل می شد.

و این که شما می گوئید (آیا این با حکمت خدا سازگار است که زمینه مشرک شدن آنها را فراهم کند؟) اینچنین نیست زیرا خداوند متعال در قرآن کریم آیاتش را به وضوح روشن کرده و حق را از باطل آشکار ساخته، و توحید و یگانگی اش را بیان فرموده، ولی این اشخاص فقط جزئی از آنها را می گیرند و معظم آیات را نادیده می گیرند و خداوند ابتداء راه هدایت را به بندگانش نشان می دهد ولی اگر کسی پس از روشن شدن حجت و دلایل عناد ورزد خداوند نیز آنها را گمراهتر می کند، خداوند متعال میفرماید:

« وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا » (اسراء : ۱۵) (ما تا پیامبری برنینگیزیم به عذاب نمی پردازیم) و می فرماید: « ذَلِكَ أَنْ لَمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ » (انعام : ۱۳۱) (این [اتمام حجت] بدان سبب است که پروردگار تو هیچ گاه شهرها را به ستم نابوده نکرده در حالی که مردم آن غافل باشند) و میفرماید:

« وَنُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَأَبْصَارَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوْلَ مَرَّةٍ وَنَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ » (انعام : ۱۱۰) (و دلها و دیدگانشان را برمی گردانیم [در نتیجه به آیات ما ایمان نمی آورند] چنان که نخستین بار به آن ایمان نیاوردند و آنان را رها می کنیم تا در طغیانشان سرگردان بمانند) و میفرماید:

« فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ » (الصف : ۵) (پس چون [از حق] برگشتند خدا دلهايشان را برگردانید و خدا مردم نافرمان را هدایت نمی کند)

بنابراین پس از اتمام حجت و برهان و دلیل اگر کسی هنوز تکبر ورزد و از تقلید کورکورانه خودش دست نکشد خداوند نیز او را در گمراهیش رها می سازد و راه نار را بر او مزمین می کند تا این که به سزای اعمالش در روز قیامت برسد: « كَذَلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ » (انعام : ۱۰۸) (این گونه برای هر امتی کردارشان را آراستیم آنگاه بازگشت آنان به سوی پروردگارشان خواهد بود و ایشان را از آنچه انجام می دادند آگاه خواهد ساخت)

زیرا نه نقل به کارش آمده و نه عقل، لذا آنها « صم بکم عمی » یعنی « گنگ و لال و کور » بوده اند که نمی توانسته اند حرف حقیقت را از قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم دریابند. در ضمن، برای شرح بیشتر در مورد مسائل روح شایسته است که به کتاب ارزشمند " الروح " مؤلف ابن قیم جوزیه مراجعه شود که مسائل روح را مفصلاً شرح داده است.

ادامه دارد